



### مرگ دیدو

Death of Dido. From Virgil, The Aeneid. Vergilius Vaticanus, Vatican Library, Rome

دیدو نامی است که مورخان روم باستان برای الیسا، دختر پادشاه صور و بنیانگذار افسانه‌ای اولین ملکه کارتاژ استفاده می‌کردند. یکی از پادشاهان محلی (آسرباس) خواستار ازدواج با دیدو شد، اما دیدو برای فرار از این ازدواج، به‌عنوان یک رسم پیش از ازدواج دوباره، یک آتش سوزی به راه انداخت اما به‌طور ناگهانی روی دکل رفت و خود را میان آتش انداخت.

این نقاشی صفحه‌ای از نسخه خطی منور «ویرجیل واتیکان»، یکی از اولین نسخه‌های خطی تذهیب شده باقیمانده است که قدمت آن به سال ۴۰۰ بعد از میلاد می‌رسد.



بود همخوانی نداشت. در ادبیات اغلب خودکشی پرتله‌ای نورانی داشت و عاشقانه‌ها و شعرهای قرون وسطایی نیز خودکشی‌ها را بدون شرح و تفسیر، به‌عنوان اعمال قهرمانانه در چارچوب اخلاق جوانمردی معرفی کرده بودند. قهرمان‌های تراژدی‌های کلاسیک فرانسوی در تعارض میان ارزش‌ها و مرگ داوطلبانه، دومی را انتخاب می‌کردند. در بخشی دیگر، زمانی که عشق غیرممکن به نظر می‌رسید، خودکشی چاره ممکن بود و تراژدی قرن هفدهم فرانسه، که بخش اعظم مخاطب آن «عموم مردم شریف» بود، این انتخاب را به‌مثابه اصلی اخلاقی تأیید می‌کرد. ژرژ مینوا (۱۹۹۵) در بررسی گسترده خود از تاریخ فرهنگی خودکشی در اروپا تا پایان قرن هجدهم، اظهار می‌کند که این عمل، عنصری تقریباً اجباری در تراژدی‌هایی بود که در سال‌های ۱۵۸۰ تا ۱۶۲۰ در انگلستان روی صحنه می‌رفتند.

از جنگل خودکشی کرده‌های دانته<sup>۵</sup> و افسانه‌های جفری چاسر<sup>۶</sup> درباره زنان نیک در قرن چهاردهم، تا رمان‌های فلور<sup>۷</sup>، داستایفسکی<sup>۸</sup>، تولستوی<sup>۹</sup>، امیلی برونته<sup>۱۰</sup>، هاردی<sup>۱۱</sup> و هنری جیمز<sup>۱۲</sup> در قرن نوزدهم، بازنمایی‌های خودکشی، برجسته‌ها و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «بودن یا نبودن؟» سؤالی که در دوران رنسانس مطرح شده بود و بی‌سرانجام در سالن‌ها و محافل روشنفکری قرن هفدهم درباره آن بحث می‌شد؛ در قرن هجدهم به موضوع بحث عمومی تبدیل شد و علی‌رغم تلاش‌های دولت برای سرکوب آن، بحث و جدل در روشنائی روز و در معابر و میدان‌های اصلی شهری پی‌گرفته می‌شد. هرگز مردم تا این حد درباره مرگ داوطلبانه، صحبت نکرده بودند. همه فیلسوفان قرن هجدهم رساله‌هایی در موافقت یا مخالفت با آن نوشتند؛ نقاشان نئوکلاسیک، شخصیت‌هایی را که خودکشی کرده بودند، نظیر لوکریتا و پروتوس، به‌عنوان مدل‌های خود انتخاب کردند و ادبیات رمانتیک آن دوره مملو از اجساد کسانی بود که به دست خود، جانشان را می‌گرفتند.

در قانون ادبی قرن بیستم اروپا، خودکشی صرفاً به‌عنوان گناه، جنایت یا عمل جنون‌آمیز، رد یا محکوم نمی‌شود؛ بلکه خودکشی به‌عنوان عملی قهرمانانه یا به‌عنوان عمل تراژیک قهرمان، عاشق، هنرمند یا متفکر ستایش می‌شود. خودکشی در واقع نقشی حیاتی در قانون ادبی پیش از قرن بیستم ایفا می‌کند، اما به نظر می‌رسد در اوایل دوره مدرن اهمیت ویژه و متفاوتی پیدا کرده و بیش از آنکه مسئله‌ای دینی یا سیاسی باشد، در انحصار حوزه پزشکی و اخلاق درآمده است.

### هنر برکناره دین

نه تنها مرگ و خودکشی، بلکه همه موضوعات و حوادث دیگر نیز در آونگ میان دین و هنر، به دوره‌های متعددی قابل تقسیم‌اند. آنچه در سیرفرز و فرود نمایش خودکشی گذشته است نیز پیش از هر چیز از جریان‌های دینی و نوگرایی متأثر بوده است. اما نسبت دین و معنویت چطور بر فرایند خلاقیت هنری اثر گذاشته است؟ یک فرض کلی وجود دارد: مدعای دین این است که می‌تواند ما را از هبوط به رستگاری برساند و هنر نیز یکی از رسالات خود را انتقال مخاطب به جهان نشانه‌ها و معانی برتری می‌داند. از این رو هنر، این ظرفیت را دارد که با تجلی مفاهیم دینی، به ابزاری معنوی

رازآلودتر از خود مرگ، جایگاهی مهم در اثر هنری داشته است. آثار هنری خودکشی، با زتاب‌دهنده مستقیم نگاه صاحبان آن به این مقوله بودند. بنابراین نقاشی‌های اولیه از لوکریتا<sup>۱۳</sup> هرگز نمی‌توانند خودکشی را تقبیح کنند در حالی که چهره معصوم و شمایل مقدسی از او نمایش می‌دهند. سوفوکل<sup>۱۴</sup> نویسنده ادیب، راهی به جز خودکشی پیش روی ادیب، قهرمان خود نمی‌گذارد و این چنین است که ایده خودکشی ستایش برانگیز قهرمان، رفته‌رفته تبدیل به حلال مشکلات می‌شود. اما این آثار در خلأ و بدون تأثیرپذیری از رویکردهای اخلاقی و دینی دوره خود شکل نگرفته‌اند. شمایل معصوم لوکریتا در حال خودکشی، تجلی نگاه کلیسا به عمل اوست و پس از آن، قوت گرفتن نمایش خودکشی در آثار هنری نیز واکنشی اعتراضی به رویکرد سخت کلیسا و ممنوعیت گناه‌آلود آن است.

«مرزیو بارباگلی»<sup>۱۵</sup> در تاریخچه جهانی خودکشی گزارش می‌دهد که نمایشنامه‌هایی که خودکشی دارند، از هشت اثر در شش دهه منتهی به سال ۱۵۶۰ به ۹۹ اثر در ربع اول قرن هفدهم افزایش یافت. اگرچه در این سال‌ها خودکشی، بیشتر بحثی سیاسی و مذهبی بود؛ ادبیات به‌عنوان پناهگاهی برای نمایش رنج‌ها و ناگامی‌ها و آرزوهای بشر، در بحث خودکشی پر جنب و جوش بود. آنچه در ادبیات می‌گذشت با آنچه در دنیای موازی دینی در جریان

